

رهیافتی نظری و تجربی بر افت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان (با تأکید بر نقش مدرسه و خانواده)

محمد گنجی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۹

چکیده

این پژوهش، با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان، در شهرستان اراک انجام شده است. جامعه آماری آن، کل دانش‌آموزان مردودی پایه اول مدارس متوسطه ناحیه ۲ اراک است. با توجه به تعداد دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ (۹۰۷ نفر)، حجم نمونه مقتضی بر اساس فرمول کوکران، ۲۴۴ نفر محاسبه شده است. روش تحقیق، پیمایشی و شیوه نمونه‌گیری، احتمالی و از نوع نمونه‌گیری تصادفی ساده است. کاوش در منابع و جامعه آماری پژوهش، بر اساس پرسشنامه طراحی شده، به نتایجی منجر شد که در قالب آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کارآمدی معلمین، دارای بیشترین اثر غیر مستقیم و دومین عامل اثرگذار بر تحصیل، در کل است. توجهات خانوادگی و میزان مطالعه کتاب، روزنامه و مجله از سوی خانواده، روابط صمیمانه خانوادگی را رقم می‌زند که در نهایت موجب انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود. ویژگی‌های فردی و شخصیتی دانش‌آموزان نیز، عاملی مؤثر در رشد تحصیلی یا افت تحصیلی، قلمداد شده است، به طوری که اتخاذ روش صحیح مطالعه، موجب اعتماد به نفس دانش‌آموز، سپس هدفمندی در تحصیل و در نهایت، انگیزه تحصیلی می‌شود. از سوی دیگر، هدفمندی در تحصیل و اتخاذ روش صحیح مطالعه به صورت مستقیم نیز، بر انگیزه تحصیلی مؤثرند. با افزایش انگیزه تحصیلی، میزان معدل کل نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه افت تحصیلی، کاهش پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: افت تحصیلی، انگیزه تحصیلی، روابط خانوادگی، اعتماد به نفس، کارآمدی معلمین.

۱. عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان M.Ganji@kashanu.ac.ir

مقدمه

تحصیل فرزندان، امروزه یکی از دغدغه‌های مهم خانواده‌هاست. این دغدغه بیشتر به دلیل وابستگی آینده فرزندان به میزان توفیق آنان در تحصیل است. هرچند این دل‌نگرانی‌ها برای اعتلا و ارتقای تحصیلی فرزندان و در کل نظام آموزش و پرورش، نقطه امیدبخش و خوشایندی به حساب می‌آید، نوعی اضطراب و تشویش برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان فراهم می‌کند که چنانچه فردی مراحل تحصیل را به شکلی کامل طی کند و راهیابی او به دانشگاه دچار مشکل شود، دیگر نمی‌تواند فردی موفق و شهروندی مؤثر به لحاظ اجتماعی به شمار آید. وقتی صحبت از افت تحصیلی می‌شود، جنبه‌های مختلف شکست، چون غیبت مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی، کیفیت نازل تحصیلات دانش‌آموزان با آنچه تداعی می‌شود، به ذهن متبادر می‌شود. افت تحصیلی، همه‌ساله تعداد بسیاری از استعدادهای بالقوه انسانی و منابع اقتصادی جامعه را هدر می‌دهد و نابسامانی‌های فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد؛ به همین دلیل است که یکی از ملاک‌های عدم موفقیت هر نظام آموزشی را، میزان افت تحصیلی در آن می‌دانند.

امروزه مسئله افت تحصیلی، گریبان‌گیر کلیه نظام‌های آموزشی است و به دلیل ارتباطی که جریان تعلیم و تربیت، با دیگر نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد، افت تحصیلی نیز از ابعاد مختلف مورد بررسی و مطالعه پژوهشگران قرار گرفته است. لذا با توجه به اهمیت آموزش و تربیت در مدارس، تلاش می‌شود تا با پژوهش دقیق در راستای بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان، متغیرهای اساسی و اثرگذار، شناسایی شود و از این طریق، امکان پیشرفت در تحصیلات و افزایش یادگیری و همچنین سلامت روانی آن‌ها تضمین شود.

بررسی دلیل شکست دانش‌آموزان در تحصیل، به مطالعه علمی و دقیق احتیاج دارد. تنبلی یا بی‌میلی را نمی‌توان تنها دلیل عقب‌افتادگی تحصیلی دانست. گاهی علت شکست دانش‌آموزان را باید در خانواده، گاهی در مدرسه و معلم، گاهی در جامعه و نظام آموزشی، وضعیت اقتصادی و یا در مسائل فردی جستجو کرد. تحقیقات نشان می‌دهد مردودی برای اولین بار احتمال ترک تحصیل را ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش می‌دهد و مردودی بار دوم این احتمال را به ۹۰ درصد می‌رساند. در نتیجه تکرار پایه، کمک چندانی به رشد پایه‌های

علمی - تحصیلی دانش‌آموز نمی‌کند و برعکس نتایج ویرانگری از خود بر جای می‌گذارد. (امین‌فر، ۱۳۶۵: ۱۲). از این‌رو حتی اگر صرفاً جنبه انسانی و فردی مردودی را هم در نظر داشته باشیم، نمی‌توان به مردودی حتی یک نفر هم بی‌توجه بود. متناسب با پژوهش حاضر، تکرار پایه تحصیلی از این جهت افت محاسبه می‌شود، که موجب کاهش ظرفیت ثبت‌نام در پایه تکرار شده می‌شود و از پذیرش دیگر دانش‌آموزان در آن پایه جلوگیری به عمل می‌آورد یا باعث به وجود آمدن تراکم دانش‌آموزان در آن پایه می‌شود. این موضوع هم باعث تحمیل هزینه‌های بیشتری به نظام آموزش و پرورش می‌شود و هم عامل شدید افت تحصیلی به حساب می‌آید و باعث ترک تحصیل می‌شود.

با توجه به توضیحات ذکر شده، در پایه اول متوسطه اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ اراک نیز، مشکل مردودی به صورت واضح و روشن، طبق مستندات و آمار موجود دیده می‌شود. در این مدرسه، در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ از ۴۳۳۸ نفر دانش‌آموز دختر و پسر تعداد ۹۰۷ نفر مردود شده‌اند، لذا انجام پژوهش حاضر، در راستای ارائه راهبردهای لازم جهت حل این مسئله است و با عنایت به اینکه عوامل عدیده‌ای از جمله عوامل فردی، عوامل بیرونی (اجتماعی، اقتصادی و...) و عوامل درون‌سازمانی می‌توانند در ایجاد افت تحصیلی اثرگذار باشند، این پژوهش با رویکردی علمی درصدد دستیابی به عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان (مردودی) می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با چنان رویکردی در پی پاسخگویی به این سؤالات است که:

۱. عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه عمومی ناحیه ۲ اراک کدامند؟
۲. چه راهکارهایی را می‌توان در جهت کاهش افت تحصیلی و پیشرفت آنان ارائه داد؟

مبانی نظری

افت از نظر لغوی به معنی کمبود، کم و کاست و نقصان، ضایعات و ضایع کردن است و تحصیل از نظر لغوی به معنای نمو کردن، شکوفه درآوردن، برآوردن زر از معدن، ستاندن و جمع کردن، تحصیل علم و چیزی، کسب و اکتساب معنی شده است و منظور اصلی از افت تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از سطح رضایت‌بخش به سطحی نامطلوب است (بیابانگرد، ۱۳۸۰: ۱۲). افت تحصیلی «نزول از یک سطح بالاتر به سطح پایین‌تر در

تحصیل آموزش و پرورش است» (افروز، ۱۳۷۵: ۱۷). افت تحصیلی یک مفهوم کلی است و باید آن را به بخش‌های زیر تقسیم کرد: اصلاً به مدرسه نیامدن، رد شدن، عدم رغبت و بی‌میلی به مدرسه و مواد درسی، غیبت‌های متوالی، ترک تحصیل و کیفیت نامرغوب تعلیم و تربیت؛ بنابراین، "افت تحصیلی" به طور عام عبارت است از: جنبه‌های مختلف شکست تحصیلی که شامل غیبت مطلق از مدرسه، ترک تحصیل قبل از موعد مقرر، تکرار پایه تحصیلی و نسبت میان سنوات تحصیلی دانش‌آموز و سال‌های مقرر آموزشی، کیفیت نازل تحصیلات دانش‌آموز در مقایسه با آنچه باید باشد و کسب محفوظات به جای معلومات که در زمان اندکی به فراموشی سپرده می‌شود. اگرچه این تعاریف می‌تواند همه کسانی را که به دنبال شکست‌های پی در پی تحصیل، از تحصیل عقب مانده‌اند، ترک تحصیل کرده‌اند، به طور مطلق از مدرسه غیبت کرده‌اند و عمدتاً به اصطلاح، تجدید یا مردود شده‌اند را دربرگیرد، اما مفهوم افت تحصیلی در پژوهش حاضر، صرفاً در رفوزگی و مردودی و واماندگی از تحصیل خلاصه می‌شود.

علل و عوامل متعددی باعث ایجاد افت تحصیلی یا اتلاف در نظام آموزش و پرورش می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به عوامل خارج از نظام آموزش و پرورش یا بیرونی (عوامل اجتماعی - فردی) و عوامل داخلی یا درون نظام آموزش و پرورش تقسیم کرد. البته باید این نکته را در نظر داشت که این عوامل از هم جدا نیستند و بر هم تأثیر می‌گذارند و نمی‌توان آن‌ها را به طور مجزا مورد بررسی قرار داد. در نوشتار حاضر، سعی می‌شود در مورد هر کدام توضیحات مختصری ارائه شود.

الف) عوامل داخلی (درون نظام آموزشی)

۱. نامتناسب بودن هدف‌ها و محتوای برنامه‌ها با نیازها، استعدادها و علائق دانش‌آموزان: قصور نظام آموزشی در برقراری هدف‌ها و برنامه‌هایی که با نیازهای رشد و تکامل فرد و علائق و انگیزه‌های او متناسب و هماهنگ باشد، در جریان تعلیم و تربیت تأثیر نامناسبی بر جای می‌گذارد و باعث افت تحصیلی می‌شود. عدم توجه به نیازها و استعدادهای دانش‌آموزان و عدم استفاده از روش‌های مطلوب تدریس و یادگیری، علاقه و انگیزه آنان را برای آموختن از بین می‌برد و این عدم علاقه، بر نتایج کار، تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و میزان افت تحصیلی را افزایش می‌دهد (سرمد، ۱۳۷۶: ۲۵).

۲. نامتناسب بودن روش‌ها و امکانات آموزش و پرورش با محتوای برنامه‌ها: در این زمینه «پیاژه»، دانشمند معروف سوئیسی، می‌گوید: استفاده منحصراً به فردی که آموزش و پرورش مرسوم قدیمی از نطق و زبان می‌کند تا دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد، متضمن این معنی است که کودک مفاهیم ذهنی خود را عیناً مانند بزرگسالان می‌سازد و بدین ترتیب مفاهیم ذهن معلم و شاگرد یک به یک متناظر است. همین واقعیت غم‌انگیز در آموزش و پرورش مرسوم قدیمی، یعنی افراط در استفاده از نطق و بیان و سیل مفاهیم کاذبی که به الفاظ بدون معنی واقعی قلاب شده است، به قدر کافی نشان‌دهنده دشواری روش فوق و مبین یکی از دلایل اصلی واکنش "مدارس فعال" در برابر "مدارس مرسوم قدیمی" که بر آموزش فعل‌پذیر تکیه دارند، می‌باشند (بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۴۵). به هر حال نادیده گرفتن این امور و تأکید بیش از حدی که بر روش‌های یادگیری غیر فعال می‌شود، ذوق، خلاقیت و ابتکار دانش‌آموزان را نادیده می‌گیرد، انگیزه‌ها و علائق آنان را برای آموختن از بین می‌برد و آنان را به افرادی منفعل و بی‌علاقه تبدیل می‌کند (بیان، ۱۳۷۱: ۳۱).

۳. نامتناسب بودن شرایط و فضای مدرسه با نیازها و شرایط اجتماعی و روانی دانش‌آموزان: شرایط نامناسب مدرسه و کلاس، تهدیدها و توبیخ‌های رسمی و غیر رسمی، تنبیه‌ها و جریمه‌های مکرر، ثبات عاطفی و روانی دانش‌آموزان را مختل می‌کند، شخصیت آن‌ها را از بین می‌برد و آنان را کینه‌توز و پرخاش‌جو و نامتعادل می‌سازد. لذا به تقلب، خشونت و بی‌انضباطی گرایش می‌یابند و این شرایط و مقررات نامطلوب، کارایی نامناسب مدارس را به صورت مردودی و "افت تحصیلی" در پی خواهند داشت؛ نیز مدت زمان و تعداد جلسات کلاس درس در هر روز، مدت زمانی که برای انجام تکالیف در منزل تعیین می‌شود، تعداد روزهای حضور در مدرسه در هر هفته، چگونگی روابط معلمان و مسئولان مدرسه و آموزش و پرورش با یکدیگر، چگونگی روابط معلمان و شاگردان، روابط دانش‌آموزان با یکدیگر در کلاس و در مدرسه و روابط معلمان و مسئولان با اولیای دانش‌آموزان و بالعکس، می‌تواند موفقیت دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد و یا مانعی برای موفقیت و پیشرفت تحصیلی آنان شود (فیض‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۱).

۴. نامتناسب بودن روش‌های ارزشیابی و سنجش یادگیری و پیشرفت تحصیلی

دانش‌آموزان: در اکثر نظام‌های آموزشی، پیشرفت تحصیلی و ارتقا به کلاس بالاتر بر اساس ارزشیابی‌ها و امتحاناتی است که به طور فصلی و یا در پایان سال تحصیلی از دانش‌آموزان به عمل می‌آید و نمراتی که دانش‌آموزان در این امتحانات کسب می‌کنند، سرنوشت آینده آن‌ها را روشن می‌کند که به کلاس بالاتر می‌روند یا مردود می‌شوند و باید همان کلاس قبلی را تکرار کنند و یا ترک تحصیل کنند و از نظام آموزشی خارج شوند. در این زمینه می‌توان خاطر نشان کرد نمرات امتحانی، خواه از آزمون‌های معلم‌ساخته حاصل شده باشند و یا از آزمون‌های استاندارد شده، دارای ارزش نسبی هستند. در بدترین وضع، این نمره‌ها بیان‌کننده ناهمگونی‌هایی است که در هدف‌ها، محتواها، و روش‌های تعلیم و تربیت موجود است و خود آن‌ها نیز نتیجه قضاوت‌های ذهنی معلمان می‌باشد که از آزمون‌هایی حاصل شده‌اند که فاقد اعتبار و پایایی مطلوب می‌باشند و در بهترین وضع نیز این نمره‌ها عملکرد یک دانش‌آموز را نسبت به عملکرد دانش‌آموزان دیگر که در همان سن و مرحله آموزشی هستند، ارائه می‌کنند و در حدود شناخته‌شده‌ای از خطا، نمره‌های پایه بعدی را پیشگویی می‌کنند. این تأکید زیادی که بر نمرات امتحانی می‌شود، اثر سوء دیگری نیز بر کل نظام آموزشی می‌گذارد که هدف‌های حقیقی آموزش و پرورش را به مخاطره می‌اندازد، یعنی دیگر این تکوین و نظام فرد نیست که هدف اصلی نظام آموزش و پرورش است، بلکه توانایی یادگیری اموری که قابل اندازه‌گیری هستند، هدف اصلی به شمار می‌آید. در این شرایط است که امتحان، تهدیدی دائمی برای شاگرد و معلم به حساب می‌آید و فشارهایی که از این طریق به دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها وارد می‌شود، سلامت روانی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. این نمرات، تمام حواس و فعالیت دانش‌آموز را بر نتایج متمرکز می‌کند که باید به هر طریقی به آن‌ها دست یابد. بدین طریق ملاحظه می‌شود که توجه بیش از حد به نمرات امتحانی، دانش‌آموزان را از تفکر بازمی‌دارد و عاداتی را در آنان پرورش می‌دهد که مغایر با تمام اهداف و ایده‌های تعلیم و تربیت است (زمردیان، ۱۳۷۳: ۲۹).

۵. عدم ایجاد انگیزه و علاقه در تحصیل، توسط معلم و اولیای مدرسه: نخستین هدف معلم کارآمد این است که در دانش‌آموزان به‌گونه‌ای انگیزه ایجاد کند که تلاش کنند در یادگیری‌شان از منابعی که در اختیار دارند، استفاده کنند و تنها به معلم متکی نباشند.

دانش‌آموزانی که بتوانند به چنین استقلال فکری برسند، پس از اتمام تحصیل در آموزشگاه قادر خواهند بود بدون معلم به تحصیل ادامه دهند و آن‌هایی که تنها به معلم متکی بوده‌اند قادر به انجام این کار نخواهند بود. اگر معلم سعی کند دانش‌آموزان را بشناسد، خواهد دید که هر دانش‌آموز تمایل خاصی به کجروی دارد، که در ظاهر ممکن است این کجروی با موضوع درسی که آموزش داده می‌شود نامربوط جلوه کند، اما اگر معلم کمی ابتکار نشان دهد، به خوبی می‌تواند از آن به عنوان وسیله‌ای برای کشاندن دانش‌آموز به درس استفاده کند (میرکاظمی مقدم، ۱۳۸۱: ۲۸).

۶. عدم مهارت معلمان در تدریس و مدیریت کلاس: معلم باید توانایی‌های خود را بشناسد، روش تدریس خود را ارزیابی کند و اگر روش‌هایش قدیمی و کهنه باشد، روش پویا و زنده‌ای را پیش گیرد تا روحیهٔ خلاقیت و نوآوری را در نهاد دانش‌آموزان شکوفا کند؛ همچنین باید رفتاری داشته باشد که دانش‌آموختگان کلاس درس او، مسائل آموزشی و مشکلات رفتاری خود را در محیطی آرام و سرشار از محبت و غیر تهدیدآمیز حل کنند و قبل از هر چیزی مفهوم یادگیری شناخته شود. «یادگیری، از مهم‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است.» (سیف، ۱۳۷۹: ۵۲). معلمان با بررسی هدف‌ها و مؤلفه‌های مدیریت کلاس درس، تأمل در مورد کلاس خود، بازدید از کلاس‌های دیگر همکاران و گفتگو با کارشناسان، نگرشی همه‌جانبه در مورد مدیریت کلاس پیدا می‌کنند. جان دیویی را می‌توان بزرگ‌ترین مدافع فعالیت دانش‌آموز در فرایند یادگیری دانست. دیویی، تعلیم را بر پایهٔ تجربه و عمل می‌دانست. به تعبیر جان دیویی، موقعیت‌های معلم، موجب مرگ تفکر و اندیشه می‌شوند. وظیفهٔ معلم در کلاس درس و در فرایند تدریس، انتقال معلومات به ذهن دانش‌آموزان نیست، بلکه شعله‌وری در نیروی خرد و اندیشه‌ورزی فراگیران برای حل مسئله و تاباندن نور به پهنای تاریک مجهولات است (شکوهی، ۱۳۷۸: ۴۱).

۷. عدم اجرای مراسم‌های متنوع در مدارس: انسان برای رشد و تعالی، فطرتاً به نشاط و شادابی نیاز دارد. هیچ چیز مانند کسالت و سستی و بی‌میلی، آدمی را از سیر به سوی کمال باز نمی‌دارد. بهترین شکل تربیت اگر با بی‌میلی همراه باشد، بی‌نتیجه خواهد ماند. محیط آموزشی باید بتواند چون زمینی مساعد برای رشد گیاهان، بستر رشد و بالندگی

دانش‌آموزان را آماده کند. فقدان شادی در مدارس، پیامدهای نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت، فقر شادی در مدارس، مرگ خلاقیت‌ها را نیز به دنبال می‌آورد (حاجی حسینی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۸۵).

۸. استفاده نامناسب از تشویق و تنبیه‌های مدارس و نظام آموزشی: تشویق و تنبیه، نه تنها در کودکان و نوجوانان دارای تأثیر است، بلکه در افزایش یا کاهش انگیزه در بزرگسالان نیز مؤثر است. می‌توان سیستم تشویق و تنبیه را یک سیستم کنترل رفتاری به وسیله خود شخص یا دیگری دانست که پس از عمل مطلوب یا نامطلوب برای افزایش یا کاهش آن رفتار اعمال می‌شود (مجوزی، ۱۳۷۴: ۲۲). معلمان باید بکوشند تا در آموزش خود، روش‌ها و فنون گوناگون را به کار برند تا دانش‌آموزان مرتباً خود را در شرایط تقویتی تازه بیابند؛ همچنین بهتر است معلمان سعی کنند تا از روش‌های تقویتی متنوع استفاده کنند و برای مدتی طولانی از یک تقویت کننده به طور تکراری استفاده ننمایند.

۹. شرایط فیزیکی کلاس: گرما یا سرمای بیش از حد کلاس، نامناسب بودن نظافت و نور کلاس، سر و صداهای غیر معقول و تعداد بیش از حد دانش‌آموزان در کلاس از عواملی است که می‌تواند مشکلات تحصیلی را ایجاد کند.

۱۰. تعویض مکرر معلمان: جابه‌جایی معلمان در طول سال تحصیلی و ناتوانی بعضی دانش‌آموزان به منظور سازگاری با روش تدریس و خصوصیات معلم، به‌ویژه در مقاطع آموزشی پایین‌تر، منجر به افت تحصیلی می‌شود.

ب) علل و عوامل خارجی (خارج از درون نظام آموزشی)

۱. عوامل فردی

بسیاری از مسائل مربوط به یادگیری و نابهنجاری‌های دانش‌آموزان، از علت‌های پنهانی که در تفاوت‌های فردی نهفته است، ناشی می‌شود. شناخت تفاوت‌ها موجب بهبود کیفیت آموزش و پرورش و کاهش افت تحصیلی می‌شود. مسئله تفاوت‌های فردی به ویژگی‌های شناختی، روانشناختی و شخصیتی، از قبیل اعتماد به نفس، توجه، نارسائی‌های جسمی و غیره مربوط می‌شود. مهم‌ترین عوامل فردی که در مردودی و افت تحصیلی نقش دارند، عبارتند از:

۱-۱. اعتماد به نفس: اعتماد به نفس یک احساس عاطفی، عشق و محبتی است که

شخص بر اساس ارزش و اهمیتی که برای خود قائل است، نسبت به خود احساس می‌کند. این احساس به ما توانایی می‌دهد که خود را علی‌رغم اشتباهات و شکست‌هایمان، با ارزش و مورد قبول و تأیید بدانیم و بتوانیم تشخیص دهیم که شخصاً قدرت داریم و می‌توانیم اداره زندگی خود را به دست بگیریم. منظور از اعتماد به نفس نیرومند، احساس اطمینان از شایستگی در زندگی است، یعنی لیاقت، قابلیت، قابلیت رقابت و ارزشمندی و معنی اعتماد به نفس پایین این است که انسان خود را مناسب و لایق زندگی نداند و به عنوان یک شخص، خود را گمشده، نامناسب و نابجا تلقی کند و خود را عاجز از انجام آنچه شایستگی آن را دارد، بداند (میرکازمی مقدم، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

اعتماد به نفس از نظر بهداشت روانی و تعادل شخصیت، دارای اهمیت فراوان است و حد پایین آن می‌تواند مشکلات متعددی از جمله افت تحصیلی، درگیری‌های اجتماعی، آمادگی برای ابتلا به انواع اختلالات روانی خصوصاً افسردگی، خودکشی، اضطراب و اعتیاد به وجود آورد؛ همچنین کاهش اعتماد به نفس، یکی از دلایل مشکلات سازگاری فرد با جامعه است. از سوی دیگر، تأثیر اعتماد به نفس بالا در جهت بهبود عملکرد در هر مقطع سنی، شغلی، اجتماعی و... به وضوح قابل اثبات است. با توجه به تغییرات جسمی، روانی و شکل‌گیری شخصیت و بحران‌های مختلف در دوره نوجوانی، نوسان‌های بسیار زیادی از لحاظ اعتماد به نفس در این سنین مشاهده می‌شود.

۱-۲. علاقه و توجه مربوط به مسائل درسی: تربیت دانش‌آموزانی با مطالعه، جستجوگر و پژوهشگر در وهله‌ی نخست همانند هر رفتار دیگر مستلزم ایجاد علاقه و انگیزه در آنان است. برانگیزاندن و علاقه‌مند ساختن صحیح دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش، مستلزم توجه و سازماندهی آن از طریق برنامه درسی است. تنها در سایه رویکرد نظام‌مند برنامه درسی و مراحل متوالی آن، می‌توان انگیزش تحصیلی متناسب با هر مرحله را در دانش‌آموزان ایجاد کرد. علاقه‌مند ساختن و برانگیزاندن دانش‌آموزان به فعالیت‌های تحصیلی، از جمله مطالعه و پژوهش، مستلزم شناخت صحیح مبانی نظری حوزه انگیزش و به‌کارگیری دستورالعمل‌ها و کاربردهای عملی نظریه‌های گوناگون انگیزشی است.

۱-۳. هدفمندی: یکی دیگر از ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان که می‌تواند علاقه و انگیزه آن‌ها به مطالعه و پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد، جهت‌گیری هدفی دانش‌آموزان است.

دانش‌آموزان، زمانی به سوی مطالعه و پژوهش کشانده می‌شوند که برنامه درسی، آن‌ها را به سوی داشتن اهداف تبحری سوق دهد. در حقیقت، دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری هدفمند تبحری، بر کسب فهم، یادگیری، مهارت، تبحر یافتن بر انجام دادن تکلیف، بهبود شایستگی و درگیری در تکلیف تمرکز می‌کنند که همگی از ویژگی‌های انجام دادن فعالیت‌های مطالعاتی و پژوهشی است. از جمله روزآمدترین موضوعاتی که در زمینه انگیزه پیشرفت، توجه نظریه‌پردازان و محققان را به خود معطوف کرده، مفهوم "جهت‌گیری هدف" یا هدف پیشرفت است. آیمز در تشریح این سازه بیان می‌دارد که جهت‌گیری هدف، بیانگر الگوی منسجمی از باورها، اسنادها و هیجانات فرد است که مقاصد رفتاری وی را تعیین می‌کند و سبب می‌شود نسبت به برخی موقعیت‌ها گرایش بیشتری داشته باشد و در آن موقعیت‌ها به گونه‌ای خاص عمل کند. وی معتقد است نحوه برداشت و واکنش فرد به دنیای پیرامون، تحت تأثیر این جهت‌گیری قرار دارد.

۲. عوامل اجتماعی

علاوه بر عوامل فردی و داخلی نظام آموزشی، نمی‌توان زمینه‌های دیگر از جمله اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی را از علل و عوامل داخلی و یا فردی جدا کرد، بلکه در بسیاری از موارد، علل و عوامل داخلی نظام آموزش و پرورش و مسائل فردی، بازتاب شرایط و عواملی است که خارج از این نظام و فرد را در بر گرفته‌اند. در اینجا سعی می‌شود به نقش تعدادی از عوامل اشاره و شرح مختصری ارائه شود.

۱-۲. عدم وجود ارزش علم و تحصیل در جامعه: مفهوم ارزش در علوم انسانی، همانند بسیاری از مفاهیم موجود در این علوم، در معانی مختلفی به کار رفته است. برخی اندیشمندان، ارزش‌ها را ناشی از عقاید می‌دانند و معتقدند که ارزش‌ها، ایده‌هایی هستند درباره آنچه برخی افراد یا گروه‌ها آن‌ها را در زندگی، مهم تلقی می‌کنند. لذا نقش ارزش‌ها را در تصمیم‌سازی افراد بسیار بارز می‌دانند. ارزش‌ها نگرش‌های خاص خود را شکل می‌دهند و سپس به رفتار منجر می‌شوند. بر اساس این تعبیر، نوع نگرش افراد جامعه نسبت به تحصیل، متضمن نوع تمایلات و رفتارهای آن‌هاست. چنانچه آموزش و تحصیل برای فرد و افراد جامعه واجد ارزش ذاتی باشد - که ارزش درونی، عاطفی و هدف‌گونه است - یادگیری، عمق و ثبات بیشتری خواهد یافت و کسانی که این راهبرد را در آموزش پیشه

می‌کنند، می‌توانند عملکرد تحصیلی مناسبی داشته باشند و تولیدکننده دانش باشند و به این ترتیب، بر میراث علمی بشر مراتب دیگری بیافزایند، درحالی‌که ارزش ابزاری تحصیل بیشتر وسیله‌گونه است و تأثیر مذکور را ندارد.

۲-۲. دوستان و همسالان: یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل‌گیری رفتارها، افکار، نگرش‌ها، احساسات و به طور کلی شخصیت نوجوانان و جوانان، ارتباط با دوستان و همسالان است. بدیهی است برقراری رابطه با دوستان در هر دوره‌ای از زندگی، واجد اهمیت است، اما در دوره نوجوانی، با توجه به ویژگی‌ها و رفتارهایی که توأم با نوجوانی است، به‌ویژه اینکه آن‌ها خواهان مستقل شدن در خانواده، اثبات وجود و کسب هویت‌اند، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند (بیابانگرد، ۱۳۸۰: ۴۷). گروه همسالان با تأکید بر ارزش‌های حاکم بر گروه، مرزهای گروهی خود را با توجه به مکانیسم‌های درون‌گروه^۱ و برون‌گروه^۲ معین می‌نمایند و بر وفاداری‌های «ما» درون‌گروه در مقابل «آنان» برون‌گروه می‌افزایند. در این میان، هنگامی که فرد در تماس با اعضای خانواده خود و تماس با دوستان همگن، دچار تعارض می‌شود، این تعارض را با پذیرش رفتار مورد قبول گروهی که بیشتر بدان وابسته است، یعنی در غالب موارد گروه همگنان و دوستان پایان می‌دهد.

نظریه‌های مید و پیازه هر یک به حق بر اهمیت روابط همسالان تأکید می‌ورزند. پیازه، به‌ویژه به این واقعیت تأکید می‌کند که روابط همسالان، دموکراتیک‌تر از روابط میان آن‌ها و پدر و مادرشان است. واژه همسال به معنای برابر است و روابط دوستی که میان همسالان است، به طور معقول، گرایش به برابری طلبی دارد. پیازه خاطر نشان می‌کند والدین به‌واسطه قدرتشان قادرند (به درجات متفاوت) قواعد و رفتار را به فرزندانشان تحمیل کنند. بر عکس، در گروه‌های همسالان، فرد زمینه کنش متقابل را کشف می‌کند که در آن می‌توان قواعد رفتار را مورد آزمون و کاوش قرار داد. گروه همسالان از طریق پاداش دادن به اعضا به خاطر همنوایی با هنجارهای گروه و نیز انتقاد یا محروم ساختن از حقوق به خاطر ناهمنوایی، به شکل‌گیری رفتار اجتماعی و شخصیت آنان کمک می‌کنند. در این هنگام، کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن، یکی از اهداف مهم نوجوانان می‌شود و پذیرش ارزش‌های گروه همسالان به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه

1. ingroup
2. out group

کمک می‌کند (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۱۱). فستینگر و همکار او روشن کرده‌اند که میان میزان هم‌رنگی و همبستگی افراد در گروه، رابطه وجود دارد. ویژگی گروه همسالان، ایجاد زمینه‌ای برای نوجوانان است تا به واسطه آن از زندگی فردی به سوی زندگی اجتماعی و اجتماعی شدن گام بردارند. چون تمایل به زندگی اجتماعی ریشه در درون آدمی دارد، نوجوان حاضر است حتی اگر به صورت آلت مضحکه هم که شده در گروه باقی بماند و از گروه کنار گذاشته نشود (استوتزل، ۱۳۶۳: ۲۹۳).

از موضوعات عمده و اساسی که در روان‌شناسی اجتماعی در ارتباط با همسالان و مکانیسم آن به دنبال نظریه یادگیری اجتماعی مطرح می‌شود، بحث همانندسازی^۱ است. همانندسازی بر آن است تا «من» را نظیر کسی کند که به عنوان «الگو» در نظر گرفته شده است. به هر حال همانند ساختن خود با یک نقش اجتماعی، به فرد امکان می‌دهد از احترام مربوط به آن الگوی رفتاری برخوردار شود و به این ترتیب به شخصیت خاص خود ارزش بخشد. همانندسازی، از نظر پارسونز، فرایندی است که شخص را به سمت عضویت در اجتماع هدایت می‌کند و از طریق یادگیری ایفای یک نقش مکمل با اعضای دیگر، طبق الگوهای ارزشی رهبری می‌نماید. عضو جدید همانند دیگران می‌شود و از طریق این فرایند، الگوهای هنجاری اجتماعی که شخص یاد می‌گیرد با آن‌ها تعامل داشته باشد، قسمتی از شخصیت او می‌شود (پارسونز، ۱۹۵۵: ۷۸).

۲-۳. فقر و محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی: محرومیت اجتماعی و اقتصادی به عنوان واقعیتی جدید همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی بوده است. لیکن در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم، پس از پیدایش بحث‌های توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و به صورت مشخص‌تر با طرح مباحث مربوط به دولت رفاه، رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی، مورد تأمل بیشتر قرار گرفته و ادبیات گسترده‌تری را کسب کرده است. در ایران نیز مانند دیگر کشورهای توسعه نیافته به دلایل گوناگون، نظیر عدم بسط و تکمیل وسایل ارتباط جمعی، عدم برخورداری اقشار مختلف از آموزش و سواد، کم‌رنگ بودن مواردی چون: مشارکت مردم در فعالیت‌های آموزش مطبوعات و رسانه‌های گروهی نیرومند، دسترسی به منابع و امکانات اجتماعی، حقوق شهروندی و... فقر و

1. identification

محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی ریشه‌کن نمی‌شود و تأثیرات نامطلوب خود را بر خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌گذارد.

۳. عوامل خانوادگی

نقش و تأثیر خانواده‌ها در پیشرفت و افت تحصیلی فرزندان را می‌توان در الف) روابط خانوادگی (صمیمیت پدر و مادر و عدم مشاجره، رابطه صمیمی فرد با پدر، رابطه صمیمی فرد با مادر، رابطه صمیمی فرد با خواهران، رابطه صمیمی فرد با برادران، در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با پدر، در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با مادر، در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با خواهر و برادر و...)، ب) توجهات خانوادگی (میزان تبعیض علیه فرزندان، میزان مقایسه ویژگی‌های فرزندان با دیگران، میزان توقع افراطی از فرزندان، میزان درک خانواده از نیازهای فرزندان، رفتن به تفریح جهت آرامش روحی، کم‌توجهی خانواده به دانش‌آموز، میزان توجه به آرامش و تمرکز فرزندان در حین تفریح و رفت و آمد، میزان توجه به فرزندان در خصوص انتخاب افراد برای رفت و آمد، میزان خوش‌بینی پدر به آینده تحصیلات و تشویق فرزندان، میزان خوش‌بینی مادر به آینده تحصیلات و تشویق فرزند و...) و ج) مطالعات خانوادگی (میزان مطالعه روزنامه، کتاب یا مجله از سوی پدر، میزان مطالعه روزنامه، کتاب یا مجله از سوی مادر، میزان مطالعه روزنامه، کتاب یا مجله از سوی برادران و خواهران و...) خلاصه کرد. به دلیل اطناب در بحث، از آوردن تئوری‌های موجود در این زمینه خودداری می‌شود.

فرضیات پژوهش

بر اساس مجموعه نظریات فوق و همچنین برخی مصاحبه‌های انجام شده در جامعه آماری، می‌توان فرضیات زیر را در پاسخ به سؤال عوامل مؤثر بر پژوهش تدوین نمود.

۱. هرچه دانش‌آموزان احساس کنند روابط والدین با آن‌ها در محیط خانواده صمیمی‌تر است، هدفمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.
۲. هرچه دانش‌آموزان احساس کنند والدین به آن‌ها در محیط خانواده توجه بیشتری می‌کنند، هدفمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.
۳. هرکدام از والدین دانش‌آموزان، هرچه بیشتر به مطالعه در منزل روی آورند،

- دانش آموزان هدفمندتر، روشمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.
۴. هرچه عملکرد مدرسه (کارآمدی معلمین و کارآمدی اولیای مدرسه) از نظر دانش-آموزان مطلوب تر قلمداد شود، آن‌ها به لحاظ مطالعه روشمندتر، هدفمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.
۵. هرچه محیط اجتماعی از نظر دانش آموزان به لحاظ پرداختن به امر تحصیل، نامساعدتر باشد، هدفمندی آن‌ها کاهش می‌یابد.
۶. هرچه میزان اعتماد به نفس، هدفمندی، انگیزه تحصیلی و روشمندی مطالعه در دانش آموزان بیشتر باشد، معدل کل (میانگین معدل اول، دوم و سوم راهنمایی و اول دبیرستان) آن‌ها نیز بیشتر است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، پیمایشی؛ از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر وسعت، پهنانگر (مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۲ اراک) و از نظر زمانی، مقطعی (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸) است. روش گردآوری داده‌ها به صورت پرسشنامه‌ای و شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده است. به این معنی که پس از تعیین میزان حجم نمونه بر اساس تعداد دانش آموزان دارای افت تحصیلی، از بین دانش آموزان مدارس، برحسب فهرست آن‌ها و به تعداد حجم نمونه مقتضی، دانش آموزان انتخاب و پرسشنامه به آن‌ها تعلق گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش آموزان مردودی پایه اول دبیرستان‌های مدارس ناحیه ۲ اراک می‌باشد که تعداد آن‌ها در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷، ۹۰۷ نفر بوده است. تعداد حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با بیشترین حجم (دقت برآورد $d = 0/05$ ، $p = 0/21$ و $q = 0/79$ سطح اطمینان ۹۵ درصد) ۲۴۴ نفر تعیین شده است، اما به دلیل توزیع بیشتر پرسشنامه در جامعه آماری، تعداد ۲۴۹ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است.

اعتبار سؤالات مربوط به سازه‌ها، از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با گردآوری نظرات داوران و متخصصان علوم اجتماعی و رفتاری در خصوص معرف‌ها، مورد ارزیابی واقع شده است (اعتبار صوری). به طوری که ۵ داور با رتبه‌های علمی دانشجوی کارشناسی

ارشد، دکتری، استادیار و دانشیار در ارزیابی سؤالات و گویه‌ها، اعمال نظر کردند و با جمع‌بندی نظرات آن‌ها، گویه‌های سنجش ویرایش شدند. از سوی دیگر، درباره برخی سازه‌ها (همانند عوامل آموزشی، عوامل فردی، عوامل خانوادگی و...) مباحث گسترده‌ای در چارچوب نظری پژوهش صورت گرفته و شاخص‌های قابل اجماع و قابل اشتراکی در مورد آن‌ها آورده شده است که تا حدی اعتبار سازه‌ای مفاهیم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده را نمایان می‌سازد.

پایایی سؤالات پرسشنامه، بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شده است. مقدار آلفا در دامنه ۰-۱ است، به طوری که از طریق این ضریب به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. اگر این ضریب صفر باشد، بیانگر عدم پایایی کامل گویه‌ها و اگر یک باشد، پایایی کامل را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات جدول زیر ملاحظه می‌شود که پایایی سؤالات و گویه‌های مورد بررسی، دارای پایایی لازم هستند و از این رو توصیف و آزمون سازه‌ها و ابعاد آن‌ها از نظر علمی معتبر است.

جدول شماره ۱. ضریب آلفای کرونباخ

مفهوم	ضریب آلفای کرونباخ	مفهوم	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل اجتماعی	۰/۶۹۳	عوامل آموزشی	۰/۷۹۳
عوامل فردی	۰/۷۴۷	عوامل خانوادگی	۰/۶۸۶

یافته‌های پژوهش

توصیف یافته‌ها

۷۳/۹ درصد از جامعه تحقیق را پسران و ۲۶/۱ درصد آنان را دختران تشکیل می‌دهند. میانگین معدل اول راهنمایی دانش‌آموزان مورد مطالعه، ۱۵/۳۳، دوم راهنمایی ۱۴/۵۷، سوم راهنمایی ۱۴/۲۷، اول دبیرستان ۱۱/۰۹ و دی ماه (تکرار سال اول) ۱۳/۰۵ است. روند معدل‌ها نشان می‌دهد که به جز معدل دی ماه، دانش‌آموزان مورد مطالعه از سال اول راهنمایی دارای معدل نزولی بوده‌اند. میانگین انضباط دانش‌آموزان دچار افت تحصیلی نیز به لحاظ ظاهری سیری نزولی داشته است و از ۱۹/۳۶ به ۱۹/۰۴ در سال اول دبیرستان کاهش پیدا کرده است.

۱۸/۳ درصد دانش‌آموزان ۳ روز و ۲۸/۱ درصد آن‌ها ۶ روز و بیشتر از مدرسه غیبت کرده‌اند. سواد ابتدایی والدین دارای بیشترین فراوانی است (۴۶/۲ درصد پدران و ۵۲/۹ درصد مادران).

توزیع پاسخگویان بر حسب پاسخ آن‌ها به عملکرد خانوادگی و ابعاد آن

بر اساس اطلاعات جدول زیر، بیشترین میانگین شاخص‌های روابط خانوادگی، مربوط به رابطه صمیمی فرد با مادر (۳/۶۱) و کمترین میانگین، مربوط به در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با پدر (۲/۱۰) می‌باشد. روابط خانوادگی، یکی از ابعاد عملکرد خانوادگی است و ابعاد دیگر این مفهوم، میزان توجه خانواده به فرزندان و میزان مطالعه والدین است. طبق اطلاعات جدول فوق، کمترین میانگین شاخص توجه خانواده، مربوط به تبعیض علیه فرزندان و بیشترین میانگین شاخص آن بعد، میزان خوش‌بینی مادر و سپس پدر به آینده تحصیلات و تشویق فرزندان به آن سمت و سو می‌باشد؛ همچنین اگرچه وضعیت مطالعه روزنامه، کتاب یا مجله از سوی برادران یا خواهران دانش‌آموزان، بهتر از پدران و مادران است (۲/۷۴ در مقابل ۱/۸۲ و ۱/۸۵)، اما به نظر می‌رسد این شاخص در بین والدین کمتر از حد متوسط است. در نهایت میانگین کلیه ابعاد عملکرد خانوادگی (۶۱/۲۱ در فاصله ۱۰۰-۰) می‌باشد که بالاتر از حد متوسط است.

جدول شماره ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد مربوط به عملکرد خانوادگی

ابعاد	شاخص‌ها و سؤالات	اصلاً	کم	تا حدی	زیاد	میانگین شاخص‌ها	میانگین ابعاد
روابط خانوادگی	صمیمیت پدر و مادر و عدم مشاجره	۶/۵	۱۲/۷	۳۰/۲	۵۰/۶	۳/۲۴	۲/۸۰
	رابطه صمیمی فرد با پدر	۳/۳	۱۳	۲۴/۳	۵۹/۴	۳/۳۹	
	رابطه صمیمی فرد با مادر	۲/۸	۴/۵	۲۰/۷	۷۲	۳/۶۱	
	رابطه صمیمی فرد با خواهران	۷/۱	۱۰/۵	۳۹	۵۳/۳	۳/۲۸	
	رابطه صمیمی فرد با برادران	۷/۲	۱۰	۲۲/۵	۴۶/۲	۳/۲۵	
	در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با پدر	۳/۱۳	۳۷/۵	۲۰/۸	۱۰/۴	۲/۱۰	
	در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با مادر	۱۴	۲۶/۳	۳۲/۵	۲۷/۲	۲/۷۲	
	در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی با خواهر یا برادر	۳۰/۱	۲۸/۵	۲۴/۷	۱۶/۷	۲/۲۸	

۲/۸۳	۱/۸۶	۱۰	۱۳/۷	۲۹	۴۷/۳	میزان تبعیض علیه فرزندان	بُعد توجه خانوادگی
	۲/۷۳	۲۶/۸	۳۵/۴	۲۲/۴	۱۵/۴	میزان مقایسه ویژگی‌های فرزندان با دیگران	
	۲/۸۵	۲۴/۶	۴۴/۳	۲۳/۴	۷/۸	میزان توقع افراطی از فرزندان	
	۳/۰۸	۳۸/۲	۳۵/۸	۲۲	۴/۱	میزان درک خانواده از نیازهای فرزندان	
	۲/۹۰	۳۳/۱	۳۳/۹	۲۳/۷	۹/۴	رفتن به تفریح جهت آرامش روحی	
	۱/۹۰	۹/۴	۱۸	۲۶/۵	۴۶/۱	کم‌توجهی خانواده به دانش‌آموز	
	۲/۵۶	۱۸/۸	۳۵/۱	۲۹/۸	۱۶/۳	توجه به آرامش و فرزندان در تفریح و رفت و آمد	
	۲/۱۳	۱۰/۶	۲۰/۴	۴۰/۸	۲۸/۲	میزان توجه به فرزندان در انتخاب افراد برای رفت و آمد	
	۳/۴۲	۶۱/۸	۲۲/۷	۱۰/۹	۴/۶	میزان خوش‌بینی پدر به آینده تحصیلات فرزند	
	۳/۵۴	۶۷/۲	۲۳/۱	۶/۹	۲/۸	میزان خوش‌بینی مادر به آینده تحصیلات فرزند	
۲/۰۵	۱/۸۲	۷/۳	۱۶/۷	۲۷/۵	۴/۸/۵	میزان مطالعه روزنامه، کتاب یا مجله از سوی پدر	بُعد میزان مطالعه والدین
	۱/۸۵	۷/۶	۱۷/۷	۲۷/۴	۴۷/۳	میزان مطالعه روزنامه، کتاب یا مجله از سوی مادر	
	۲/۷۴	۲۶/۱	۳۶/۵	۲۲/۸	۱۴/۵	مطالعه روزنامه، کتاب و... از سوی برادران و خواهران	
۶۱/۲۱	میانگین کل در دامنه ۰ - ۱۰۰						

توزیع پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های فردی

مفهوم ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، از چند بعد هدفمندی، اعتماد به نفس، میزان انگیزه و علاقه، شیوه مطالعه صحیح تشکیل شده است. طبق اطلاعات جدول زیر، از بین شاخص‌های هدفمندی، بیشترین میانگین، مربوط به شاخص به دست آوردن شغل و کمترین مربوط به شاخص کسب جایگاه اجتماعی از طریق تحصیل است. در خصوص شاخص‌های اعتماد به نفس در بین دانش‌آموزان می‌توان گفت، شاخص‌های اطمینان به خود، در خصوص انتخاب رشته تحصیلی (۳/۱۸) و استقلال در انتخاب لوازم مورد احتیاج در زندگی (۳/۱۳) دارای بیشترین میانگین و میزان کمک گرفتن از دوستان در برنامه‌ریزی و فعالیت‌های اجتماعی دارای کمترین میانگین (۲/۴۱) است. از سوی دیگر میزان استرس از امتحانات پایانی ۳/۲۴ و میزان استرس از امتحانات مستمر ۲/۹۴ می‌باشد که خود عاملی در جهت کاهش اعتماد به نفس است.

در ارتباط با بعد انگیزه و علاقه، شاخص انگیزه جهت به دست آوردن موفقیت‌ها و پیشرفت‌های تحصیلی، دارای بیشترین میانگین (۳/۲۵) و علاقه و انگیزه جهت آموختن

درسی جدید، دارای کمترین میانگین (۳/۰۳) است؛ همچنین در بعد شیوه مطالعه صحیح، کمترین میانگین مربوط به شاخص استفاده از سی‌دی‌های آموزشی و کتاب‌های کمک درسی است (۱/۸۵) و بیشترین میانگین مربوط به شاخص انتخاب زمان و مکان مناسب مطالعه است (۳/۲۶).

بر اساس اطلاعات جدول زیر، در بین ابعاد ویژگی‌های فردی، هدفمندی (۳/۱۶) دارای بیشترین میانگین و رعایت شیوه مطالعه صحیح (۲/۵۸) دارای کمترین میانگین است، به طوری که میانگین کل ویژگی‌های فردی در بین پاسخگویان، در فاصله تغییرات ۱۰۰-۰، ۵۸/۳۳ می‌باشد.

جدول شماره ۳. توزیع پاسخگویان برحسب ابعاد ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان

میانگین ابعاد	میانگین شاخص‌ها	زیاد	تا حدی	کم	اصلی	شاخص‌ها و سؤالات	ابعاد
۳/۱۶	۳/۲۲	۴۴/۸	۳۷/۱	۱۴/۵	۳/۶	اعتقاد به به دست آوردن شغل از طریق ادامه تحصیل	هدفمندی از طریق تحصیل
	۳/۱۹	۴۱/۳	۴۰/۹	۱۴/۲	۳/۶	اعتقاد به به دست آوردن درآمد از طریق ادامه تحصیل	
	۳/۱۰	۳۸/۶	۳۷	۲۰/۳	۴/۱	اعتقاد به به دست آوردن جایگاه اجتماعی از طریق تحصیل	
۲/۶۲	۳/۱۳	۲۸	۴۰/۸	۱۷/۶	۳/۷	استقلال در انتخاب لوازم مورد احتیاج	اعتماد به نفس
	۲/۸۲	۲۱/۱	۴۵/۱	۲۸/۵	۵/۳	میزان تصمیم‌گیری در خصوص برنامه‌ریزی	
	۳/۱۸	۴۲/۳	۳۸/۲	۱۵/۴	۴/۱	اطمینان به خود در خصوص انتخاب رشته تحصیلی	
	۲/۹۰	۲۳/۸	۵۰/۴	۱۸/۹	۷	رضایت از عملکرد و رفتار خود	
	۲/۸۴	۲۶/۳	۴۰/۹	۲۳/۵	۹/۳	رضایت از پیشرفت‌های خود	
	۲/۴۱	۱۰/۹	۳۵/۹	۳۸/۸	۱۵/۱	میزان کمک از دوستان در فعالیت‌های اجتماعی	
	۲/۵۸	۱۳/۸	۴۱/۵	۳۴/۶	۱۰/۲	ایجاد رغبت در دوستان در پرداختن به امور درسی	
	۲/۹۴	۴۸/۴	۳۳/۲	۱۳/۹	۴/۵	میزان استرس از امتحانات مستمر	
	۳/۲۴	۳۶/۵	۳۰/۷	۲۳/۴	۹/۴	میزان استرس از امتحانات پایانی	
۳/۰۸	۳/۰۳	۳۷/۲	۳۶/۸	۱۷/۸	۸/۱	علاقه و انگیزه جهت آموختن مطالب درسی جدید	انگیزه و علاقه
	۳/۲۵	۴۸/۴	۳۳/۲	۱۳/۹	۴/۵	انگیزه جهت به دست آوردن پیشرفت‌های تحصیلی	
	۳/۰۵	۳۵	۳۹/۸	۲۰/۷	۴/۵	میزان علاقه به حضور در مدرسه	

۲/۵۸	۳/۲۶	۴۹	۳۱/۶	۱۶/۲	۳/۲	انتخاب زمان و مکان مناسب	شیوه مطالعه صحیح
	۳/۰۵	۳۰/۴	۴۷	۱۹/۴	۳/۲	توجه کامل حواس در کلاس	
	۲/۵۹	۱۱/۵	۴۵/۱	۳۵/۲	۸/۲	طبقه‌بندی و خلاصه کردن مطالب	
	۲/۶۲	۲۰	۳۳/۵	۳۵/۵	۱۱	رها کردن مطالبی که متوجه نشده	
	۱/۸۵	۷/۴	۱۷/۳	۲۸/۸	۴۶/۵	استفاده از سی‌دی‌های آموزشی	
	۲/۲۵	۱۱/۳	۲۸/۷	۳۳/۶	۲۶/۳	مشاوره با مشاوران مدرسه جهت انتخاب شیوه مطالعه	
۵۸/۳۳	میانگین کل در دامنه ۰ - ۱۰۰						

توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت نابسامان محیطی (اجتماعی)

جدول شماره ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص‌های نابسامان محیطی و اجتماعی

شاخص‌ها و سوالات	اصلاً	کم	تا حدی	زیاد	میانگین
عدم ارزش‌گذاری فرد تحصیلکرده در جامعه	۴/۹	۱۷/۸	۳۵/۲	۴۲/۱	۳/۱۴
تأثیر وضعیت نابسامان تحصیلکرده‌ها بر بی‌انگیزگی تحصیلی	۴/۱	۲۸/۳	۴۰/۸	۲۶/۹	۲/۹۰
وجود نگرانی‌های شغلی و بی‌انگیزگی تحصیلی	۴/۹	۲۵/۶	۴۳/۹	۲۵/۶	۲/۹۰
وجود شغل‌های با درآمد زیاد و بی‌انگیزگی تحصیلی	۵/۳	۳۱/۳	۳۷/۳	۲۶/۲	۲/۸۴
عدم اهمیت دوستان به امر تحصیل و بی‌انگیزگی	۱۰/۹	۲۲/۶	۴۵/۲	۲۱/۳	۲/۷۶
عدم تشویق دوستان به تحصیل و بی‌انگیزگی تحصیلی	۱۶/۷	۲۵/۷	۳۲/۲	۲۵/۳	۲/۶۶
رفیق‌بازی و تفریحات مکرر و بی‌انگیزگی تحصیلی	۲۱/۴	۳۶/۷	۲۲/۲	۱۹/۸	۲/۴۰
اختلاف شدید مالی با دیگر دانش‌آموزان و بی‌انگیزگی	۲۲/۸	۳۶/۲	۲۰/۷	۲۰/۳	۲/۳۸
وضعیت اخلاقی جامعه و توجه به جنس مخالف و بی‌انگیزگی	۲۱/۹	۲۳/۹	۲۶/۳	۲۷/۹	۲/۶۰
میانگین کل در دامنه ۰ - ۱۰۰					۵۷/۶۰

بر اساس اطلاعات جدول فوق، شاخص محیطی عدم ارزش‌گذاری فرد تحصیلکرده در جامعه (۳/۱۴)، وضعیت نابسامان تحصیلکرده‌ها و بی‌انگیزگی تحصیلی (۲/۹۰) و نگرانی‌های شغلی در آینده و سپس بی‌انگیزگی تحصیلی (۲/۹۰) دارای بیشترین میانگین و رفیق‌بازی و تفریحات مکرر (۲/۴۰) و بی‌انگیزگی تحصیلی در صورت مقایسه اجتماعی (۲/۳۸) دارای کمترین میانگین است؛ همچنین میانگین کل وضعیت نابسامان اجتماعی در دامنه تغییرات ۰-۱۰۰، ۵۷/۶۰ می‌باشد.

توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت عوامل آموزشی

در پژوهش حاضر، وضعیت کلی آموزشگاه (عوامل آموزشی)، به دو بخش کارآمدی

معلم و وضعیت کلاس و مدرسه تقسیم شده است. در بخش کارآمدی معلم در جدول زیر، قابلیت معلم در برقراری نظم در کلاس (۳/۱۲)، تسلط معلمین به دروس (۲/۸۷) و قابل فهم کردن درس برای دانش آموز (۲/۸۶) دارای بیشترین میانگین و استفاده معلمین از ابزار و وسایل جدید جهت تدریس (۲/۰۵) و درک مشکلات دانش آموزان (۲/۳۳) دارای کمترین میانگین است؛ همچنین جدول زیر نشان می‌دهد که از نظر دانش آموزان، تأثیر وضعیت شلوغی مدرسه بر کاهش نمرات، بالاست (۳/۰۶). بر اساس اطلاعات جدول فوق، قابلیت اولیای مدرسه در برقراری نظم و انضباط در مدرسه دارای بیشترین میانگین (۳/۳۳) و تعویض مکرر معلمین (۲/۱۱) و برگزاری مراسم متنوع و جشن‌ها در محیط مدرسه (۲/۱۲) دارای کمترین میانگین است. در کل بر اساس جدول زیر، میانگین وضعیت کلی آموزشگاه در دامنه تغییرات ۱۰۰-۵۰/۸۸ است.

جدول شماره ۵. توزیع پاسخگویان برحسب ابعاد عوامل آموزشی

ابعاد	شاخص‌ها و سؤالات	اصلاً	کم	تا حدی	زیاد	میانگین شاخص‌ها	میانگین ابعاد
کارآمدی معلم	ارتباط محترمانه و دوستانه معلمین با دانش آموزان	۱۳/۷	۲۰/۲	۳۹/۵	۲۶/۶	۲/۷۹	۲/۶۱
	استفاده از تنبیه لفظی یا بدنی توسط معلمین	۱۷/۸	۳۵/۶	۲۷/۱	۱۹/۴	۲/۴۸	
	ارائه نمرات عادلانه توسط معلمین	۵/۳	۲۸/۶	۴۶/۹	۱۹/۲	۲/۸۰	
	تبعیض قائل شدن بین دانش آموزان توسط معلمین	۱۰/۲	۲۹/۸	۳۶/۷	۲۳/۳	۲/۷۳	
	قابلیت معلمین در برقراری نظم در کلاس	۷/۵	۱۴/۷	۲۹/۹	۴۵/۲	۳/۱۲	
	استفاده معلمین از روش‌های نوین در تدریس	۳۴/۳	۳۳/۹	۲۳/۶	۸/۳	۲/۰۵	
	قابل فهم کردن درس توسط معلمین	۱۰/۶	۲۴/۴	۳۳/۳	۳۱/۷	۲/۸۶	
	علاقه، انگیزه و عشق معلمین به تدریس	۱۴/۷	۲۲	۳۷/۱	۲۶/۱	۲/۷۴	
	میزان تسلط معلمین به ارائه دروس	۴/۵	۲۵/۱	۴۸/۶	۲۱/۸	۲/۸۷	
	مشارکت دادن دانش آموزان در	۱۶/۴	۳۶/۹	۳۲/۴	۱۴/۳	۲/۴۴	

						تصمیم‌های کلاسی	
	۲/۵۹	۱۳/۱	۴۵/۳	۲۹/۸	۱۱/۸	رضایت از ارزشیابی‌های مناسب معلمان	
	۲/۳۳	۱۳/۹	۲۶/۵	۳۸/۴	۲۱/۲	درک مشکلات دانش‌آموزان توسط معلمان	
۲/۵۶	۳/۳۳	۵۳/۶	۳۰/۵	۱۱/۷	۴/۲	قابلیت اولیای مدرسه در برقراری نظم در مدرسه	وضعیت کلاس و مدرسه
	۲/۸۷	۳۳/۹	۳۰/۲	۲۵/۷	۱۰/۲	تشویق اولیای مدرسه به برنامه‌ریزی تحصیلی	
	۲/۴۱	۱۴/۶	۳۳/۶	۳۰/۴	۲۱/۵	درک مشکلات از سوی اولیای مدرسه	
	۳/۰۶	۴۴/۵	۲۵/۷	۲۱/۲	۸/۶	تأثیر وضعیت شلوغی مدرسه بر کاهش نمرات	
	۲/۱۱	۱۲/۶	۱۹/۵	۳۵	۳۲/۹	تعویض مکرر معلمان در مدرسه	
	۲/۷۱	۲۹	۲۸/۶	۲۷/۳	۱۵/۲	تأثیر تعویض معلمان بر کاهش نمرات	
	۲/۱۲	۹/۹	۲۳	۳۶/۶	۳۰/۵	برگزاری مراسم متنوع و جشن‌ها و اردوها در مدرسه	
	۲/۳۲	۱۵/۳	۲۹/۴	۲۷/۴	۲۷/۸	رضایت کلی دانش‌آموزان از امکانات مدرسه	
۵۰/۸۸	میانگین کل در دامنه ۰ - ۱۰۰						

تحلیل یافته‌ها

فرضیات عملکرد خانوادگی و ارتقای ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان

فرضیه ۱: هرچه دانش‌آموزان احساس کنند روابط والدین با آن‌ها در محیط خانواده صمیمی‌تر است، هدفمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.

فرضیه ۲: هرچه دانش‌آموزان احساس کند والدین به آن‌ها در محیط خانواده توجه بیشتری می‌کنند، هدفمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.

فرضیه ۳: هرکدام از والدین دانش‌آموزان بیشتر به مطالعه در منزل روی آورند، دانش-آموزان هدفمندتر، روشمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.

جدول شماره ۶. همبستگی ابعاد عملکرد خانوادگی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموز

متغیر	شاخص‌های آماری	وابسته			
		هدفمندی	اعتماد به نفس	انگیزه تحصیلی	روش صحیح مطالعه
مستقل	روابط صمیمی خانوادگی	۰/۲۳۶**	۰/۲۴۰**	۰/۲۶۹**	۰/۲۲۳**
	توجهات خانوادگی	۰/۱۶۱*	۰/۲۹۱**	۰/۱۴۸**	۰/۱۲۲
	مطالعه والدین	۰/۲۰۳**	۰/۱۶۸**	۰/۲۰۳**	۰/۲۳۱**
	همبستگی معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	همبستگی معنی‌داری	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۰	۰/۰۵۴
	همبستگی معنی‌داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
	ویژگی فردی کل	۰/۲۹۱**	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بر اساس جدول فوق:

بین روابط صمیمی خانوادگی و ویژگی‌های فردی کلی (عوامل شخصیتی) رابطه مستقیم و قوی وجود دارد ($r=0/291$ و $p=0/000$). به طوری که این رابطه در بعد انگیزه تحصیلی و سپس ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموز دارای شدت بیشتری است. بر این اساس هرچه شخص احساس کند که رابطه صمیمانه‌تری با خانواده دارد، هدفمندتر، دارای اعتماد به نفس بیشتر و انگیزه تحصیلی بیشتری است.

همبستگی توجهات خانوادگی با ویژگی‌های فردی $0/255$ است، به طوری که این مفهوم با اعتماد به نفس دانش‌آموز، دارای رابطه قوی‌تری است ($r=0/291$ و $p=0/000$). در کل هرچه دانش‌آموز احساس کند که والدین توجه بیشتری به او دارند، هدفمندتر، دارای اعتماد به نفس بالاتر و انگیزه تحصیلی بیشتری است.

رابطه بین میزان مطالعه والدین با ویژگی فردی و شخصیتی دانش‌آموزان مستقیم و قوی است ($r=0/198$ و $p=0/000$)، به طوری که متغیر فوق، با اتخاذ روش صحیح مطالعه از سوی دانش‌آموزان رابطه قوی دارد ($r=0/231$)؛ بنابراین، هرچه والدین به مطالعه روزنامه، کتاب و یا مجلات متعددی بپردازند، فرزندان روش صحیح‌تری را برای مطالعه انتخاب می‌کنند و از این روی هدفمندتر، دارای اعتماد به نفس بیشتر و انگیزه تحصیلی بالاتری

می‌شوند.

فرضیات عملکرد مدرسه و ارتقای ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان

فرضیه ۴: هر چه عملکرد مدرسه (کارآمدی معلمان و کارآمدی اولیای مدرسه) از نظر دانش‌آموزان مطلوب‌تر قلمداد شود، آن‌ها به لحاظ مطالعه روشمندتر، هدفمندتر و دارای اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتری خواهند بود.

جدول زیر نشان می‌دهد که همبستگی کلی وضعیت مدرسه (عملکرد مدرسه) و ویژگی‌های شخصی و فردی کلی، مستقیم و مثبت است ($r=0/381$ و $p=0/000$)، به طوری که کارآمدی معلمان ($r=0/396$) دارای همبستگی قوی‌تری نسبت به کارآمدی اولیای مدرسه ($r=0/264$) با ویژگی‌های کلی فردی است. از سوی دیگر، وضعیت کلی مدرسه (عملکرد کلی مدرسه) ابتدا با روش صحیح مطالعه ($r=0/376$) و سپس با انگیزه تحصیلی دانش‌آموز ($r=0/332$) دارای رابطه قوی‌تری است. این مقوله به نوعی در رابطه کارآمدی معلمان و ویژگی‌های فردی نیز دیده می‌شود، اما در بخش کارآمدی اولیای مدرسه، آن متغیر ابتدا با روش صحیح مطالعه و سپس با هدفمندی دانش‌آموزان رابطه قوی‌تری دارد.

جدول شماره ۷. همبستگی عملکرد مدرسه (معلمان و اولیای مدرسه) با ویژگی دانش‌آموزان

متغیر	شاخص‌های آماری	وابسته			
		هدفمندی	اعتماد به نفس	انگیزه تحصیلی	روش صحیح مطالعه
مستقل	کارآمدی معلمان	۰/۲۶۹** ۰/۰۰۰	۰/۲۱۶** ۰/۰۰۱	۰/۳۴۴** ۰/۰۰۰	۰/۳۹۶** ۰/۰۰۰
	کارآمدی اولیای مدرسه	۰/۲۵۰** ۰/۰۰۰	۰/۱۲۲ ۰/۰۵۵	۰/۲۹۴** ۰/۰۰۰	۰/۲۶۴** ۰/۰۰۰
	وضعیت کلی مدرسه	۰/۲۹۱** ۰/۰۰۰	۱۹۸** ۰/۰۰۲	۰/۳۷۶** ۰/۰۰۰	۰/۳۸۱** ۰/۰۰۰

رابطه وضعیت نابسامان اجتماعی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان

فرضیه ۵: هرچه محیط اجتماعی از نظر دانش‌آموزان به لحاظ پرداختن به امر تحصیل نامساعدتر باشد، هدفمندی آن‌ها کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۸. همبستگی وضعیت نابسامان اجتماعی و ویژگی‌های فردی

وابسته				شاخص‌های آماری	متغیر	
ویژگی فردی کلی	انگیزه تحصیلی	اعتماد به نفس	هدفمندی			
-۰/۲۴۶**	-۰/۰۹۶	-۰/۱۱۲	-۰/۲۸۱**	همبستگی معنی‌داری	وضعیت نابسامان اجتماعی	مستقل
۰/۰۰۰	۰/۱۳۰	۰/۰۷۸	۰/۰۴۶			

بر اساس اطلاعات جدول فوق، هرچه وضعیت اجتماعی نابسامان‌تر می‌شود، یعنی ارزش تحصیلات در جامعه کم‌رنگ‌تر می‌شود، وضعیت بیکاری تحصیل‌کردگان در جامعه بیشتر می‌شود، دوستان صمیمی دانش‌آموز کمتر مطالعه می‌کنند و برای تحصیلات اهمیت کمتری قائل می‌شوند، رفیق‌بازی بیشتر رواج پیدا می‌کند، خودکم‌بینی مالی بیشتر اتفاق می‌افتد، وضعیت اخلاقی موجود در جامعه کم‌رنگ‌تر و توجه به جنس مخالف بیشتر می‌شود و... مجموع ویژگی‌های شخصیتی و فردی (جمع تمامی متغیرها)، کم‌رنگ‌تر می‌شوند ($r = -0/246$ و $p = 0/000$). از طرف دیگر وضعیت نابسامان اجتماعی با کاهش هدفمندی دانش‌آموزان در ارتباط است ($r = -0/281$ و $p = 0/046$).

رابطه معدل دانش‌آموزان و ویژگی‌های فردی

فرضیه ۶: هرچه میزان اعتماد به نفس، هدفمندی، انگیزه تحصیلی و روشمندی مطالعه در دانش‌آموزان بیشتر باشد، معدل کل (میانگین معدل اول، دوم و سوم راهنمایی و اول دبیرستان) آن‌ها نیز بیشتر است.

جدول شماره ۹. رابطه معدل کل با ویژگی‌های فردی

مستقل					شاخص‌های آماری	متغیر	
ویژگی فردی کلی	روش صحیح مطالعه	انگیزه تحصیلی	اعتماد به نفس	هدفمندی			
۰/۱۷۰**	۰/۲۲۶**	۰/۲۱۲**	۰/۱۲۵**	۰/۱۲۵**	همبستگی معنی‌داری	معدل کل	وابسته
۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۲۵			

جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه ویژگی‌های کلی فردی با میانگین معدل چهار ساله دانش‌آموزان، مستقیم و مثبت است و هرچه آن ویژگی‌ها قوی‌تر می‌شوند، میزان معدل آن‌ها نیز بیشتر می‌شود ($r = 0/170$ و $p = 0/004$)، به طوری که در بین ویژگی‌های فردی، روش صحیح مطالعه و سپس انگیزه تحصیلی، دارای بیشترین اثر است؛ بنابراین، هرچه

هدفمندی، اعتماد به نفس، انگیزه تحصیلی، روش صحیح مطالعه و به طور کلی ویژگی‌های فردی کاهش یابد، معدل کل کمتر و افت تحصیلی بیشتر می‌شود.

رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر

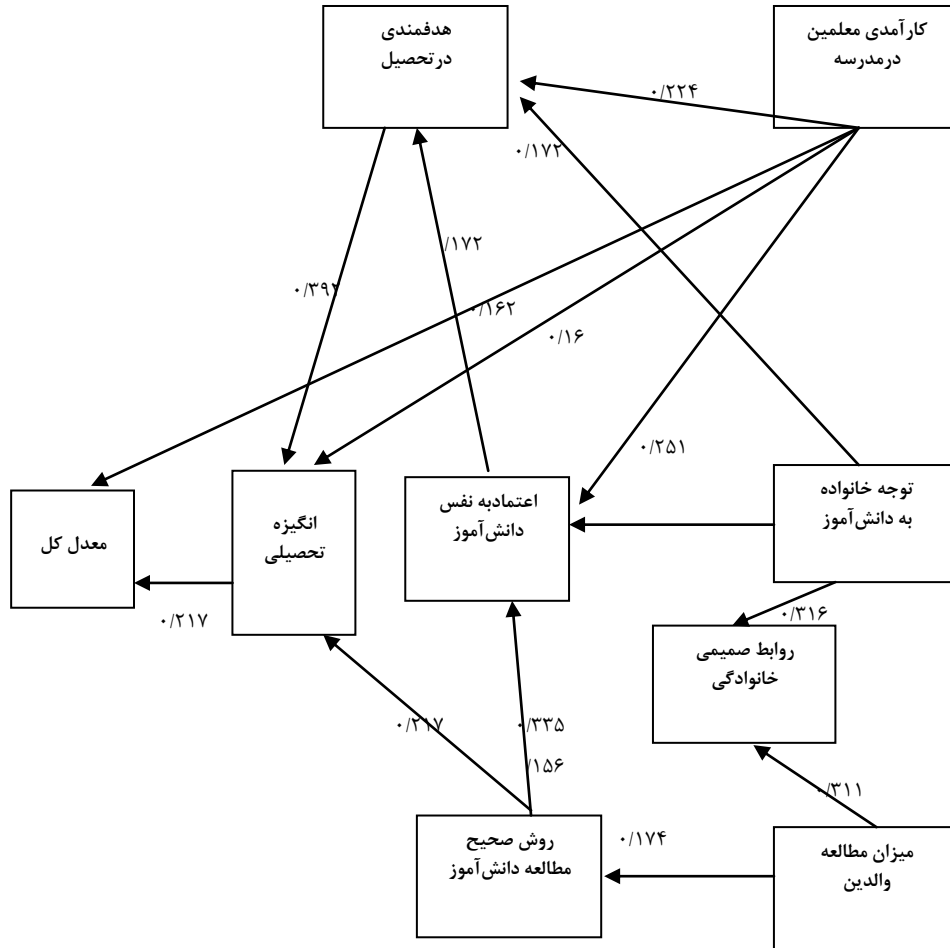
در قسمت‌های قبلی مشاهده شد که افت تحصیلی زمانی اتفاق می‌افتد که انگیزه تحصیلی کاهش پیدا کند؛ همچنین رابطه متغیرها و تأثیر عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی و سپس معدل کل، به صورت دو به دو مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت از رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام^۱ به منظور تبیین مجموعه عوامل استفاده می‌شود. همان‌گونه که در جدول زیر نشان داده می‌شود، سه متغیر مهم هدفمندی در تحصیل، روش صحیح مطالعه و کارآمدی معلمین، در شکل رگرسیونی باقی ماندند، به طوری که ضریب تبیین آن برابر تقریباً ۳۴ درصد و ضریب تبیین خالص آن برابر ۳۳ درصد است. در مجموع، طبق اطلاعات جدول ذیل و با توجه به بتای استاندارد شده، اثر مستقیم هدفمندی در تحصیل بر انگیزه تحصیلی، ۰/۳۹۲، روش صحیح مطالعه ۰/۲۱۷ و کارآمدی معلمین، ۰/۱۶۲ است.

جدول شماره ۱۰. ضرایب متغیرهای مستقل در شکل رگرسیونی گام به گام

ضریب تبیین	Sig	t	ضرایب استاندارد	ضرایب خام		متغیر
			Beta	Std.Error	B	
۰/۳۳۷	۰/۱۱۸	۱/۵۶	-	۰/۲۶۰	۰/۴۰۷	مقدار ثابت
	۰/۰۰۰	۷/۰۴	۰/۳۹۲	۰/۰۵۵	۰/۳۹۱	هدفمندی در تحصیل
	۰/۰۰۰	۳/۷۷	۰/۲۱۷	۰/۰۸۲	۰/۳۱۱	روش صحیح مطالعه
	۰/۰۰۵	۲/۸۲	۰/۱۶۲	۰/۰۸۶	۰/۲۴۳	کارآمدی معلمین

پس از تعیین اثرات مستقیم متغیرهای اثرگذار باقی‌مانده در شکل رگرسیونی بر اساس مدل تحلیل مسیر، به تعیین اثرات غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته نیز اقدام شده است. مدل زیر مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد.

1 step wise



مدل شماره ۱. نمودار تحلیل مسیر

جدول شماره ۱۱. ضرایب مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر معدل

اثر کل	ضرایب تأثیر		متغیر
	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	
۰/۳۹۲	-	۰/۳۹۲	هدفمندی در تحصیل
۰/۳۶۷	۰/۲۰۵	۰/۱۶۲	کارآمدی معلمین
۰/۳۳۶	۰/۱۱۹	۰/۲۱۷	اتخاذ روش صحیح مطالعه
۰/۱۲۶	۰/۱۲۶	-	توجه خانواده به فرزند
۰/۱۲۴	۰/۱۲۴	-	میزان مطالعه از سوی خانواده
۰/۰۷	۰/۰۷	-	اعتماد به نفس دانش‌آموز
۰/۰۷	۰/۰۷	-	روابط صمیمی خانواده با فرزند

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، بیشترین اثر بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان و معدل کل را به ترتیب، هدفمندی (۰/۳۹۲)، کارآمدی معلمین (۰/۳۶۷)، اتخاذ روش صحیح مطالعه از سوی دانش‌آموزان (۰/۳۳۶)، توجه خانواده به فرزند (۰/۱۲۶) و مطالعه روزنامه، مجله و کتاب از سوی والدین (۰/۱۲۴) تشکیل می‌دهند اگرچه هدفمندی دارای بیشترین اثر مستقیم است، اما بر اساس مدل تحقیق، خود تأثیرپذیر از متغیرهای کارآمدی معلم به میزان (۰/۲۲۴)، روابط صمیمانه در خانواده (۰/۱۷۲) و اعتماد به نفس دانش‌آموزان (۰/۱۶۳) است. بر اساس جدول ۲۵ بیشترین تأثیر غیر مستقیم توسط متغیر کارآمدی معلمین (۰/۲۰۵) صورت پذیرفته است. طبق مدل فوق، معلمین با روش‌های متعدد، موجب هدفمندی در تحصیل و اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شوند؛ همچنین آن‌ها روش‌های صحیح مطالعه را به دانش‌آموزان تعلیم می‌دهند و تمامی آن موارد بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان اثر مثبت و مستقیم دارد.

پس از معلمین، دومین و سومین اثر غیر مستقیم، توجه خانواده به فرزند (۰/۱۲۶) و خوش‌بینی خانواده به تحصیلات فرزندان و مطالعه والدین (۰/۱۲۴) است. توجه خانوادگی در پژوهش حاضر، شامل شاخص‌هایی چون، عدم تبعیض بین فرزندان، عدم مقایسه وی با سایر دوستان و اقوام، دارا بودن توقعات و انتظارات بجا از وی و درک نیازهای دانش‌آموز و حل مشکلات آن‌هاست، به طوری که بر اساس اطلاعات میزان توجه والدین بر مبنای شغل

پدر متفاوت است (در اشتغال دولتی بیشتر و در بیکاران کمتر است: $Sig. F = 0/002$)؛ اما بر اساس شغل مادر به لحاظ آماری معنی‌دار نیست ($Sig. F = 0/510$). از طرف دیگر، توجه خانوادگی بر حسب تحصیلات پدر متفاوت نیست ($Sig. F = 0/058$) اما بر حسب تحصیلات مادر متفاوت است و مادرانی که تحصیلات بالاتری دارند، توجه بیشتری نیز به فرزندان خود دارند (مثلاً فوق دیپلم‌ها بیشتر از بیسوادان یا ابتدایی‌ها: $Sig. F = 0/000$)؛ همچنین هرچه بر میزان درآمد ماهیانه خانواده افزوده می‌شود میزان توجه خانواده به دانش‌آموز نیز زیاد می‌شود ($r = 0/274$ و $p = 0/000$)؛ بنابراین، تحصیلات مادر، شغل پدر و میزان درآمد خانواده، عاملی مؤثر بر میزان اعمال توجه از سوی خانواده‌هاست. از سوی دیگر اگرچه میزان توجه خانوادگی بر حسب استعمال سیگار توسط یکی از اعضای خانواده به‌ویژه والدین متفاوت نیست ($Sig. t = 0/720$) اما میزان توجه خانوادگی بر حسب استعمال مواد مخدر توسط یکی از اعضای خانواده، متفاوت است و کسانی که به مصرف مواد مخدر مبادرت می‌ورزند، میزان توجه ایشان به فرزندان کمتر است ($Sig. t = 0/002$).

در خصوص روی‌آوری والدین به مطالعه روزنامه، مجله و کتاب و تأثیر آن بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان و معدل کل نیز بایستی افزود که اگر متغیر بالا نیز به طور غیر مستقیم بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است ($0/124$) اما خود نیز متأثر از برخی عوامل است که تا حدی شبیه مفهوم توجه خانوادگی است. بر اساس اطلاعات آماری میزان مطالعه والدین، بر حسب شغل پدر متفاوت است ($Sig. F = 0/004$) اما بر حسب شغل مادر متفاوت نیست ($Sig. F = 0/075$). از سوی دیگر این متغیر هم بر حسب تحصیلات پدر ($Sig. F = 0/005$) و هم بر حسب تحصیلات مادر ($Sig. F = 0/000$) متفاوت است و افراد دارای تحصیلات بالاتر نگرش مثبت‌تری نسبت به آینده تحصیلی فرزندان‌شان دارند و همچنین بیشتر به مطالعه روزنامه، مجله و کتاب روی می‌آورند؛ همانند رابطه توجه خانوادگی و درآمد، که هرچه بر درآمد خانوادگی افزوده می‌شود، میزان روی آوردن به مطالعه کتاب، روزنامه و مجلات متعدد از سوی خانواده بیشتر می‌شود ($r = 0/219$ و $p = 0/002$) و در نهایت اینکه اگرچه روی آوردن خانواده‌ها به مطالعه، بر حسب استعمال سیگار متفاوت نیست ($Sig. t = 0/129$)، لیکن بر حسب استعمال مواد مخدر و داروهای روان‌گردان متفاوت

است ($Sig.t=0/010$) و خانواده‌هایی که چنان موادی را مصرف نمی‌کنند، میزان خوش‌بینی بالاتری به آینده تحصیلی فرزندان خود دارند و بیشتر به مطالعه منابع متعدد روی می‌آورند که آن بر اساس مدل ۱ از یک سو موجب افزایش روابط صمیمی در خانواده و سپس هدفمندی در تحصیل و در نهایت انگیزه تحصیلی می‌شود و از سوی دیگر، اتخاذ روش‌های صحیح مطالعه (ایجاد مکان مناسب و بی‌سر و صدا و زمان مناسب برای مطالعه، جمع کردن حواس در حین مطالعه، طبقه‌بندی و خلاصه کردن کتب، فهم مطالب، استفاده از سی‌دی‌های آموزشی و کمک گرفتن از مشاوران مدرسه یا خانواده و...) در دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد که موجب انگیزه بیشتر تحصیل می‌شود.

بنابراین، اگرچه هدفمندی در تحصیل بیشترین اثر مستقیم را بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان داشته است؛ لیکن آن متغیر خود تأثیرپذیرفته از متغیرهای کارآمدی معلمین، توجه خانوادگی، خوش‌بینی والدین به تحصیل فرزندان و روی‌آوری آن‌ها به مطالعه، روابط صمیمی در خانواده، روش صحیح مطالعه و اعتماد به نفس دانش‌آموز است که در این بین، کارآمدی معلمین بیشترین اثر را بر هدفمندی دانش‌آموزان در تحصیل به جای نهاده است ($0/224$)؛ از سوی دیگر این متغیر بیشترین اثر غیر مستقیم ($0/205$) و دومین اثر مستقیم ($0/367$) را بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان داشته است؛ از این روی، به عنوان مهم‌ترین عامل مطرح می‌شود و نظام آموزش و پرورش بایستی برنامه‌ریزی ویژه برای آن داشته باشد، تا از این طریق به کاهش افت تحصیلی منجر شود.

نتیجه‌گیری

افت تحصیلی، یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام‌های آموزشی است که در نظام آموزشی ایران نیز به صورت‌های مختلف، یکی از مشکلات عمده محسوب می‌شود. افت تحصیلی، هر ساله مقدار قابل توجهی از بودجه و نیروی انسانی و امکانات را به هدر می‌دهد و اثرات ناخوشایندی نیز چه از نظر روحی و چه از نظر روانی به دانش‌آموزان وارد می‌کند و مشکلات عدیده‌ای را برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد. افت تحصیلی، افت عملکرد تحصیلی و درسی دانش‌آموزان از سطحی رضایت‌بخش به سطحی نامطلوب است. اگرچه تعاریف متعددی از این واژه توسط اندیشمندان متعدد ارائه شده است، اما آنچه ملاک و معیار افت تحصیلی در پژوهش حاضر قرار گرفته، مردودی دانش‌آموز در سال اول

دبیرستان و تکرار آن سال و پایه تحصیلی است. در این راستا باید گفت که بدون تردید، هیچ نظام آموزشی نمی‌تواند صد در صد به اهداف آموزشی خود برسد، با این حال میزان موفقیت هر نظام آموزشی به نزدیک شدن هرچه بیشتر به اهداف تعیین شده بستگی دارد؛ بنابراین، برای نزدیک شدن به اهداف نظام آموزشی، حتماً می‌بایست عوامل مؤثر بر افت تحصیلی را شناخت و اثرهای آن را کاهش داد.

پژوهش حاضر از این منظر در ناحیه ۲ شهرستان اراک انجام شده است تا از یک سو به عوامل اصلی مؤثر بر افت تحصیلی (مردودی) دانش‌آموزان آن ناحیه بپردازد و از سوی دیگر به ارائه پیشنهاداتی در این زمینه دست یابد. بر اساس مجموعه نظریات مطرح شده در پژوهش و همچنین برخی مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌های انجام شده، برخی نتایج مهم نوشتار حاضر عبارتند از:

- کمترین میانگین شاخص‌های روابط خانوادگی، در میان گذاشتن حرف‌های خصوصی دانش‌آموزان با پدر خودشان می‌باشد. به عبارتی نقش پدر در این زمینه در بین دانش‌آموزان کم‌رنگ‌تر است.
- کمترین میانگین شاخص توجه خانواده، مربوط به اعمال تبعیض علیه فرزندان از سوی خانواده است.
- شاخص مطالعه روزنامه، کتاب و یا مجله از سوی والدین کمتر از حد متوسط است.
- میزان استرس از امتحانات پایانی و مستمر در بین دانش‌آموزان قابل تأمل است.
- در بین شاخص‌های انگیزه و علاقه دانش‌آموزان، علاقه جهت آموختن مطالب درسی جدید در بین دانش‌آموزان، دارای کمترین میانگین است.
- استفاده از کتاب‌های کمک درسی و سی‌دی‌های آموزشی، دارای کمترین میانگین در شیوه صحیح مطالعه است.
- دانش‌آموزان به میزان زیادی از برنامه‌های تلویزیونی استفاده می‌کنند و به بازی‌های رایانه‌ای مبادرت می‌ورزند.
- عدم درک مسائل و مشکلات و نیازهای دانش‌آموزان از سوی معلمان و استفاده معلمان از شیوه‌های نوین تدریس، دارای کمترین تعداد در بین شاخص‌های کارآمدی معلمان است.

- وضعیت شلوغی مدارس، مشکل بزرگی است که بایستی بدان پرداخته شود.
 - تعویض مکرر معلمان و عدم برگزاری مراسم متنوع و شاد در محیط مدرسه، دارای کمترین مقدار در بین شاخص‌های وضعیت مدرسه است.
 - عدم ارزش‌گذاری فرد تحصیل‌کرده در جامعه، وضعیت نابسامان تحصیل‌کرده و بی‌انگیزگی تحصیلی و نگرانی شغلی در آینده و سپس بی‌انگیزگی تحصیلی، دارای رقم بیشتری در شاخص‌های محیطی است.
 - هرچه روابط صمیمی خانوادگی افزایش می‌یابد، هدفمندی، اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزان زیادتر می‌شود و شرایط مطالعه بیشتری فراهم می‌شود (اثبات فرضیه اول).
 - هرچه توجه خانواده به فرزندان خود بیشتر می‌شود، هدفمندی، اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزان افزایش می‌یابد (اثبات فرضیه دوم).
 - هرچه والدین بیشتر در خانواده مطالعه می‌کنند، دانش‌آموزان هدفمندتر، دارای اعتماد به نفس بیشتر و انگیزه تحصیلی قوی‌تر می‌شوند و روش‌های صحیح‌تری را برای مطالعه انتخاب می‌کنند (اثبات فرضیه سوم).
 - هرچه کارآمدی معلمان افزایش می‌یابد و وضعیت مدرسه بهتر می‌شود، ویژگی‌های فردی و شخصیتی دانش‌آموزان بیشتر بارور می‌شود و سپس انگیزه تحصیلی بیشتری پیدا می‌کنند (اثبات فرضیه چهارم).
 - وضعیت اجتماعی نابسامان، از جمله کم‌رنگ شدن ارزش تحصیلات در جامعه، وضعیت بیکاری تحصیل‌کردگان در جامعه، عدم روی‌آوری دوستان صمیمی به مطالعه، رفیق‌بازی، خودکم‌بینی مالی و توجه به جنس مخالف، با ویژگی‌های فردی و شخصیتی که موجب انگیزه تحصیلی می‌شود، رابطه منفی دارد (اثبات فرضیه پنجم).
 - هرچه میزان اعتماد به نفس، هدفمندی، انگیزه تحصیلی و روشمندی مطالعه در دانش‌آموزان بیشتر باشد، معدل کل (میانگین معدل اول، دوم و سوم راهنمایی و اول دبیرستان) آن‌ها نیز بیشتر است (اثبات فرضیه ششم).
- علاوه بر موارد بالا، در پاسخگویی به سؤال اول، نتایج رگرسیون و تحلیل مسیر می‌تواند

کمک‌دهنده باشد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در رگرسیون گام به گام، سه عامل هدفمندی در تحصیل، روش صحیح مطالعه و کارآمدی معلمین به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار به صورت مستقیم، مطرح شدند، به‌طوری‌که هدفمندی در تحصیل دارای بیشترین اثر مستقیم مورد بررسی قرار گرفت. اما همان‌گونه که در مدل تحلیل مسیر مشخص شد، اگرچه هدفمندی دارای بیشترین اثر مستقیم بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان است، اما خود متأثر از متغیرهای کارآمدی معلمین، روابط صمیمانه در خانواده و اعتماد به نفس دانش‌آموزان است. بر اساس مدل تحلیل مسیر، کارآمدی معلمین دارای بیشترین اثر غیر مستقیم و دومین اثرگذار کل می‌باشد. از سوی دیگر، توجهات خانوادگی و همچنین میزان مطالعه کتاب، روزنامه و مجله از سوی خانواده، نیز روابط صمیمانه خانوادگی را رقم می‌زنند که در نهایت موجب انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود؛ بنابراین، از آنجاکه توجه خانوادگی و میزان مطالعه خانوادگی نیز به عنوان عوامل مؤثر بر ویژگی‌های شخصیتی و فردی (هدفمندی، اعتماد به نفس و اتخاذ روش صحیح مطالعه) مورد بررسی قرار گرفته است، به عنوان دومین عامل مؤثر در پژوهش حاضر مطرح می‌شود. علاوه بر موارد فوق، ویژگی‌های فردی و شخصیتی دانش‌آموزان (همان‌گونه که گفته شد خود متأثر از عوامل آموزشگاهی و خانوادگی است) نیز به عنوان عوامل مؤثر در رشد تحصیلی یا افت تحصیلی می‌باشند. در مدل تحلیل مسیر، اتخاذ روش صحیح مطالعه، موجب اعتماد به نفس دانش‌آموز، سپس هدفمندی در تحصیل و در نهایت انگیزه تحصیلی می‌شود. از سوی دیگر هدفمندی در تحصیل و اتخاذ روش صحیح مطالعه به صورت مستقیم نیز بر انگیزه تحصیلی مؤثرند که قابل تأمل و اندیشه فراوان است.

منطبق با نتایج پژوهش، برخی از پیشنهادات جهت ترمیم افت تحصیلی در جامعه آماری مورد مطالعه عبارتند از:

۱. تدبیر در جهت ایجاد کلاس‌های مفید و مؤثر برای معلمین توسط مدیران مدرسه یا آموزش و پرورش مربوطه به صورت مستمری از زمینه‌ها:
 - روش تدریس، به منظور استفاده کارآمد از روش‌های نوین در کلاس و مدرسه و بیان کاربردی دروس به منظور معین کردن نتایج علمی در زندگی روزمره؛
 - روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، به منظور برقراری ارتباط منطقی و محبت‌آمیز با

- دانش‌آموزان یا تقویت مهارت‌های ارتباطی از طریق روان‌شناسان یا مشاوران مجرب؛
- نیازسنجی، به منظور شناسایی نیازهای متعدد دانش‌آموزان، درک آن نیازها و در نهایت توانایی در حل مشکلات موجود دانش‌آموزان؛
 - فوق برنامه درسی، در جهت تقویت بنیه علمی معلمان و ارتقای تسلط آن‌ها در دروس مربوطه؛
 - برنامه‌ریزی تحصیلی و روش مطالعه، به منظور ایجاد کلاس‌های مربوطه برای دانش‌آموزان توسط معلمان؛
 - شیوه‌های ارزشیابی‌های مختلف، به منظور کاهش استرس و اضطراب دانش‌آموزان در این جهت.
۲. تدبیر اولیای مدرسه در جهت کاهش مسائل و مشکلات مدرسه از طریق:
- گزینش منطقی معلمان متناسب با تعهد و تخصص آن‌ها؛
 - ایجاد کلاس‌های فوق برنامه درسی و غیر درسی به نسبت نیاز دانش‌آموزان جهت تشویق آن‌ها به امر تحصیل؛
 - ارتقای سطح امکانات مدرسه از جمله کتابخانه، کارگاه‌های کامپیوتر و... و امکانات نوین تدریس؛
 - ایجاد جلسات پرسش و پاسخ در سطح مدارس، به منظور ایجاد ارتباط نزدیک بین اولیای مدرسه و دانش‌آموزان؛
 - گروه‌بندی منطقی دانش‌آموزان بر مبنای معدل و استعداد و ایجاد کلاس‌های فوق برنامه برای دانش‌آموزان ضعیف؛
 - عدم تعویض مکرر معلمان مدارس و در نتیجه سردرگمی دانش‌آموزان؛
 - استفاده از روان‌شناسان و مشاوران مجرب در جهت حل مشکلات دانش‌آموزان؛
 - ایجاد مراسم متنوع و شاد جهت ایجاد روحیه و نشاط در سطح مدارس؛
 - ایجاد برنامه‌ریزی تحصیلی منظم و متناسب با محتوای دروس، به منظور ایجاد یادگیری بیشتر در دانش‌آموزان (دوری از تنوع محتوایی برنامه‌ریزی تحصیلی)؛
 - ایجاد همایش‌ها و کنفرانس‌های مستمر، به منظور گردهمایی خانواده‌ها در مدرسه به منظور تشریح نیازهای دانش‌آموزان و ایجاد آگاهی در والدین در جهت حل مسائل؛

- ایجاد کلاس‌های روش مطالعه و برنامه‌ریزی تحصیلی در مدارس به منظور ارتقای سطح آگاهی دانش‌آموزان.

۳. از سوی دیگر، بر اساس نتایج پژوهش حاضر، عملکرد خانوادگی به عنوان عامل اثرگذار (به صورت مستقیم و غیر مستقیم) مطرح شده است. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، این مفهوم در سه بعد روابط صمیمانه خانوادگی، توجهات خانوادگی و مطالعات خانوادگی، تشکیل شده است. به این منظور پیشنهادات ذیل در جهت ارتقای وضعیت این مفهوم مطرح می‌شود:

۳-۱. تشکیل کارگاه‌های آموزشی مستمر و حل مسأله توسط سازمان‌های مسئول به منظور آشنا ساختن خانواده با:

- ویژگی‌های روحی - عاطفی دانش‌آموزان و ارائه شناخت لازم در خصوص نوع جنسیت و ویژگی‌های آن و همچنین نحوه تصمیم‌گیری در مورد آینده و مسائل پیش رو و ...؛

- نحوه برخورد با سؤالات، نیازها و درخواست‌های دانش‌آموزان؛

- چگونگی ایجاد روابط صمیمانه و عاطفی بین اعضای خانواده؛

- نحوه نظارت والدین بر رفتار اجتماعی فرزندان به ویژه مرحله دوست‌یابی؛

- راه‌های منطقی انتقال دانش و معلومات مورد نیاز در خصوص نحوه استفاده بجا و مؤثر از وسایل ارتباط جمعی همانند تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای و ...؛

از طریق سخنرانان و مجریان مجرب، کارآموده و با تخصص‌های متعدد (روان‌شناسی، مشاوره، جامعه‌شناسی و...) و چاپ و نشر موارد ضروری و لازم در ارتباط با موارد فوق بین خانواده‌ها و ارزیابی پیامد و نتیجه فعالیت‌های انجام شده در طی زمان و فواصل معین به منظور ترسیم نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت.

۳-۲. دقت و ارتقای کارآمدی خانواده‌ها توسط پدر و مادر در زمینه‌های:

- توجه به فرزندان و عدم تبعیض احساس و رفتاری بین فرزندان؛

- انتقال روش‌های صحیح مطالعه به فرزندان؛

- ایجاد محیط مناسب جهت مطالعه به‌ویژه در حین امتحانات دانش‌آموزان؛

- ایجاد فضای مناسب و صمیمی در خانواده در جهت بازگو کردن حرف‌های خصوصی

دانش‌آموزان؛

- عدم تحمیل خواست‌ها و آرزوهای خود به فرزندان؛
- ایجاد فرصت لازم و مناسب در جهت تأمین نیازهای دانش‌آموزان؛
- کمک به برنامه‌ریزی تحصیلی دانش‌آموزان؛

فهرست منابع

۱. _____ (۱۳۸۴)، روش‌های عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات آگاه.
۲. استوتزل، ژان (۱۳۶۳)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه.
۳. افروز، غلامعلی (۱۳۷۵)، روان‌شناسی تربیتی، انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
۴. امین‌فر، مرتضی (۱۳۶۵)، «بررسی علل و عوامل افت تحصیلی و کاهش آن»، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱۳ و ۱۴.
۵. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۰)، «دوستی‌ها در دوره نوجوانی»، مجله پیوند، شماره ۲۶۶.
۶. بیان، حسام‌الدین (۱۳۷۱)، مدیریت آموزش و آموزشگاهی، تهران: ناشر مؤلف.
۷. حاجی حسینی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۸۲)، لذت یادگیری، تهران: انتشارات آمیتیس.
۸. زمردیان، اصغر (۱۳۷۳)، مدیریت تحول، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۹. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۶)، روش‌های تدریس و هنر معلمی، قم: چاپ اشراق.
۱۰. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویراست نو)، تهران: انتشارات آگاه.
۱۱. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۸)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. فیض‌آبادی، حوریه (۱۳۸۴)، خودباوری، تهران: انتشارات آگاه.
۱۳. کوئن، بروس (۱۳۷۰)، مبانی جامعه‌شناسی ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

۱۴. مجوزی، عبدالله (۱۳۷۴)، چرا تشویق؟، تهران: انتشارات فاطمی.
۱۵. میرکازمی مقدم، نورالدین (۱۳۸۱)، «اعتماد به نفس و چگونگی تقویت آن در فرزندان»، مجله پیوند، شماره ۲۸۱، اسفند.
16. Parsons, Talcot and shilds, Edward (1955). Toward a jeneral theory of action. Harward University Press.

